

عطار، محمدبن ابراهیم، ۵۳۷ - ۴۴۳ق.	:	سرشناسه
مصیبت نامه	:	عنوان قراردادی
بازنوشته‌ی منظومه‌ی عظیم مصیبت نامه‌ی عطار نیشابوری بر اساس نسخه‌ی تصحیح شده‌ی استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی/ نگارنده عبدالعلی غفوری.	:	عنوان و نام پدیدآور
قم : انتظار سبز، ۱۳۹۱.	:	مشخصات نشر
۳۹۶ص.	:	مشخصات ظاهری
۱۰۰۰۰۰ ریال: 9786005259148	:	شابک
فیبا	:	وضعیت فهرست نویسی
واژه نامه .	:	یادداشت
کتابنامه.	:	یادداشت
شعر فارسی -- قرن ۶ق.	:	موضوع
منظومه های عرفانی -- قرن ۶ق.	:	موضوع
غفوری، عبدالعلی، ۱۳۳۹ -	:	شناسه افزوده
شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۱۸ -، مصحح	:	شناسه افزوده
۱۳۹۱ ۵۰۴۶PIR	:	رده بندی کنگره
۳۳/۱۶۸	:	رده بندی دیویی
۲۸۰۲۶۶۷	:	شماره کتابشناسی ملی



انتشارات انتظار سبز

بازنوشته منظومه‌ی عظیم
مصیبت نامه‌ی نیریز عطار نیشابوری

- انتشارات: انتظار سبز
- نگارنده: عبدالعلی غفوری
- مدیر فنی: محمدرضا فتحی
- تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
- نوبت چاپ: اول/تابستان ۱۳۹۱
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۵۹-۱۴-۸

مرکز پخش:

فروشگاه اینترنتی اصفهان کتاب

www.isfahanketab.com

تلفن تماس: ۰۹۱۳۶۹۸۷۶۳۱ - ۰۹۱۳۳۱۶۰۳۹۵



بازنوشته‌ی منظومه‌ی عظیم

تجلیت نامه‌ی

فریدالدین عطار نیشابوری

براساس نسخه‌ی تصحیح شده‌ی استاد دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

نگارنده: عبدالعلی غفوری

فهرست

۱۹	پیش گفتار.....
۲۱	ستایش یزدان.....
۲۶	حکایت پیری که مرید اگفت حق را نامی نیست.....
۲۷	داستان جبرئیل و پرکردن او دهان فرعون از لجن.....
۲۸	در نعت رسول اکرم ﷺ.....
۲۹	توصیف شعر.....
۳۰	گفتار بو محمد بن خازن در باب شعر.....
۳۰	گفته‌ی «امام دین» در باب شعر.....
۳۲	حکایت شه زاده‌ی دون همت.....
۳۲	داستان مردی که از پس نماز خلق را شعر می‌خواند.....
۳۳	داستان اصمعی و کناس.....
۳۳	حکایت سقراط و بی نیازی او.....
۳۳	داستان تفرج شاه و گیاه 'خواری بقراط.....
۳۴	حکایت بی نیازی حسن بصری و نیاز خلق بدو.....
۳۶	آغاز کتاب.....
۳۷	داستان پرسش حذیفه و پاسخ علی علیه السلام درباره‌ی وحی.....
۴۱	قصه‌ی مردی که از ذوالقرنین طلب یک درم کرد.....
۴۲	گفتار اول: رفتن سالک فکرت پیش جبرئیل.....
۴۴	۱-۱) حکایت بوسعید و مرد مظلوم.....
۴۴	۲-۱) حکایت عیسی و مارافسای.....

- ۳-۱) قصه‌ی مجنون و یاد عشق ۴۵
- ۴-۱) داستان عشق کامل ۴۶
- ۵-۱) حکایت صوفی بوسعید و صوفی کردگار ۴۷
- ۶-۱) داستان دخت ماه روی شاه ۵۰
- گفتار دوم: رفتن سالک فکرت به نزد اسرافیل ۵۲
- ۱-۲) قصه‌ی یاری خواهی گبر از آتش ۵۳
- ۲-۲) حکایت سازگاری موش و گربه ۵۴
- ۳-۲) داستان خودنگری غلام ۵۴
- ۴-۲) داستان مرگ غلام ۵۶
- ۵-۲) قصه‌ی شای و دیوانه ۵۶
- ۶-۲) حکایت دیوانه‌ی کرب ۵۷
- ۷-۲) قصه‌ی گرسنه و گرسنه ۵۸
- ۸-۲) داستان دیوانه و نمازگزار ۵۹
- گفتار سوم: رفتن سالک فکرت به نزد میثاق ۶۰
- ۱-۳) حکایت حاتم اصم و کافر ۶۱
- ۲-۳) داستان موسی و بُرخ سیاه و دُعای باران ۶۳
- ۳-۳) قصه‌ی درد و درمان ۶۵
- ۴-۳) حکایت محمود و مرد گنه‌کار ۶۶
- گفتار چهارم: رفتن سالک فکرت به نزد عزرائیل ۶۸
- ۱-۴) حکایت اولین و آخرین منزل ۶۹
- ۲-۴) قصه‌ی سوگند مرده ۷۰
- ۳-۴) حکایت دیوانه و راه کوتاه ۷۱
- ۴-۴) قصه‌ی مرگ و زندگی ۷۱
- ۵-۴) داستان بهلول و آتش گور ۷۲
- ۶-۴) قصه‌ی خداوند عادل و بنده‌ی ظالم ۷۲
- ۷-۴) داستان شبان و سیلاب ۷۲
- ۸-۴) قصه‌ی زن گریان ۷۳
- ۹-۴) حکایت نوح و کوزه گر ۷۳
- ۱۰-۴) حکایت عیسی و بیم مرگ ۷۵
- ۱۱-۴) داستان ادا و ۷۶

- ۴- ۱۲) قصه‌ی وصیت اسکندر..... ۷۶
- گفتار پنجم: رفتن سالک فکرت پیش حمله و ملائکه..... ۷۷
- ۵- ۱) داستان مرگ فرشتگان..... ۷۸
- ۵- ۲) حکایت برنده‌ی عاشق..... ۷۸
- ۵- ۳) قصه‌ی فرشتگان مطرود..... ۷۹
- ۵- ۴) حکایت آرایه‌ی بی سود..... ۸۰
- ۵- ۵) داستان مرگ بایزید..... ۸۱
- ۵- ۶) قصه‌ی مناظره‌ی دیگ سنگین و کاسه‌ی زرین..... ۸۲
- ۵- ۷) قصه‌ی پند آسیا..... ۸۳
- ۵- ۸) داستان پند پدر..... ۸۴
- ۵- ۹) قصه‌ی گفت و گوی شاه و گدا..... ۸۴
- گفتار ششم: رفتن سالک فکرت پیش عرش..... ۸۵
- ۶- ۱) داستان کشتن کاه و پیر..... ۸۷
- ۶- ۲) قصه‌ی مرغ وفادار..... ۸۹
- ۶- ۳) داستان نظام الملک و خیار مخ..... ۹۰
- ۶- ۴) قصه‌ی سلطان محمود و میذری..... ۹۰
- ۶- ۵) داستان فرعون و گرفتن گاهواره‌ی موسی از آب..... ۹۱
- گفتار هفتم: رفتن سالک فکرت به نزد کرسی..... ۹۳
- ۷- ۱) قصه‌ی هارون الرشید و تشنگی او..... ۹۴
- ۷- ۲) حکایت انوشیروان و دیوانه..... ۹۵
- ۷- ۳) قصه‌ی کاخ شاه و کوخ پیرزن..... ۹۷
- ۷- ۴) داستان بهلول و دنیه خواستن او از شاه..... ۹۸
- ۷- ۵) قصه‌ی بهلول و سگان..... ۹۸
- ۷- ۶) داستان سنجر سلجوقی و پند خواهی او از بلقا سم زاهر..... ۹۸
- ۷- ۷) قصه‌ی درم یافتن پیر و بردن او به نزد شاه..... ۹۹
- ۷- ۸) حکایت خواجه‌ی اکافی و محتاج‌ترین خلق..... ۹۹
- ۷- ۹) قصه‌ی سدید عنبری و نمودن «ذلیل» و «عزیز» روزگار..... ۹۹
- ۷- ۱۰) داستان نشستن بهلول بر تخت هارون..... ۱۰۰
- گفتار هشتم: رفتن سالک فکرت پیش لوح محفوظ..... ۱۰۱
- ۸- ۱) قصه‌ی گیر و دانه پاشیدن او در برف..... ۱۰۲

- ۸-۲) حکایت مجنون و جنون دولتی ۱۰۳
- ۸-۳) داستان مردی که نام او «خوش خوش» بود ۱۰۴
- ۸-۴) قصه‌ی شکستن دیوانه، شیشه‌ها را ۱۰۴
- ۸-۵) داستان گذر معشوق توسی از بازار عطاران ۱۰۵
- ۸-۶) قصه‌ی دیوانه‌ای که هر آدینه بر روی مردم آینه می‌گرفت ۱۰۵
- ۸-۷) داستان عیسی و سجده کردن ابلیس به عادت ۱۰۷
- ۸-۸) حکایت سلیمان و بند کردن او ابلیس را ۱۰۷
- گفتار نهم: رفتن سالک فکرت پیش قلم ۱۰۹
- ۹-۱) داستان ذوالنون و فرمان ترک فریضه ۱۱۰
- ۹-۲) قصه‌ی به دار آویختن ذرد کامل و بوسیدن شبلی پای او ۱۱۲
- ۹-۳) حکایت قلّاب و برکشیدن مرقّع خویش ۱۱۳
- ۹-۴) حکایت ماه‌غزنه و مرد گم کرده خر ۱۱۴
- ۹-۵) قصه‌ی بوسیدن درخت او به دیدار لقمان سرخسی ۱۱۵
- ۹-۶) داستان نظام الملک و سواره‌ی آسوده ۱۱۵
- گفتار دهم: رفتن سالک فکرت پیش ۱۱۷
- ۱۰-۱) حکایت مناجات با یزید و خطاب خواصی او از حق ۱۱۸
- ۱۰-۲) قصه‌ی خنده‌ی عاشق به گاه مرگ ۱۱۹
- ۱۰-۳) داستان خانه‌ی پرنقش و نگار زلیخا ۱۲۰
- ۱۰-۴) قصه‌ی بوسیدن مجنون در و دیوار کوی لیلی ۱۲۱
- ۱۰-۵) داستان پاسخ بی جواب ۱۲۱
- ۱۰-۶) حکایت واعظ و گرد مذلت ۱۲۱
- ۱۰-۷) حکایت مفاخره‌ی محمود و ایاز ۱۲۲
- ۱۰-۸) قصه‌ی سگ میهمان ۱۲۳
- ۱۰-۹) قصه‌ی جذبه‌ی رخسار لیلی در دیده‌ی مجنون ۱۲۴
- ۱۰-۱۱) داستان خانه‌ی ایاز ۱۲۴
- گفتار یازدهم: رفتن سالک فکرت پیش دوزخ ۱۲۶
- ۱۱-۱) قصه‌ی کوشش بی سود ۱۲۷
- ۱۱-۲) حکایت آسایش دیوانه ۱۲۹
- ۱۱-۳) داستان مرگ بی وقفه ۱۲۹
- ۱۱-۴) حکایت مردار دنیا ۱۳۰

- ۱۱-۵) قصه دیوانه و دزدیدن کفن ۱۳۰
- ۱۱-۶) داستان سلیمان و بانگ مرغ ۱۳۱
- ۱۱-۷) حکایت بوسیع و گرمابه‌ی خوش ۱۳۱
- ۱۱-۸) قصه‌ی هارون و سایه‌ی میل ۱۳۲
- ۱۱-۹) داستان دانشمند دنیا دوست ۱۳۲
- ۱۱-۱۰) قصه‌ی باقلقوس پرنیرنگ ۱۳۳
- ۱۱-۱۱) داستان عیسی و مرد خفته ۱۳۳
- گفتار دوازدهم: رفتن سالک فکرت پیش آسمان ۱۳۵
- ۱۲-۱) قصه‌ی آسیا سنگ شکسته ۱۳۶
- ۱۲-۲) قصه‌ی دیوانه و گفتار مکرر او ۱۳۷
- ۱۲-۳) قصه‌ی دیوانه‌ای که پیوسته «چه کنم چه کنم» می‌گفت ۱۳۷
- ۱۲-۴) داستان حج مقبول ۱۳۸
- ۱۲-۵) قصه‌ی چوب نایافته ۱۳۸
- ۱۲-۶) داستان برچیدن ازین به مورن ۱۳۹
- ۱۲-۷) قصه‌ی انتظار گنج ۱۴۰
- ۱۲-۸) حکایت دجله و تشنه ۱۴۰
- ۱۲-۹) داستان سگی که کلیچه‌ای یافت ۱۴۱
- ۱۲-۱۰) قصه‌ی مرد صاحب درد ۱۴۱
- ۱۲-۱۱) داستان رغبت نکردن شیخ کرکانی بر سماع ۱۴۲
- ۱۲-۱۲) حکایت روز بی شام ۱۴۲
- گفتار سیزدهم: رفتن سالک فکرت پیش آفتاب ۱۴۳
- ۱۳-۱) داستان جام گرفتن غلام از دست شاه ۱۴۵
- ۱۳-۲) حکایت محمود و پیر خوشه چین ۱۴۷
- ۱۳-۳) قصه‌ی خفاش و خورشید شب ۱۴۸
- ۱۳-۴) داستان پوزش پشه ۱۵۰
- ۱۳-۵) حکایت پادشاه و مرد خاک بیز ۱۵۰
- گفتار چهاردهم: رفتن سالک فکرت پیش ماه ۱۵۲
- ۱۴-۱) حکایت عشق شرالدوله بر صفیه خاتون ۱۵۳
- ۱۴-۲) قصه‌ی مخنث و مار ۱۵۷
- ۱۴-۳) داستان رستم ناتوان ۱۵۸

- ۱۴-۴) حکایت گبری که فرزند خویش را «جاودان زیاد» نام نهاد..... ۱۵۸
- گفتار پانزدهم: رفتن سالک فکرت پیش آتش..... ۱۵۹
- ۱۵-۱) قصه‌ی عیسی و مرد دروغ زن..... ۱۶۰
- ۱۵-۲) حکایت محمود و مرد دیوانه..... ۱۶۳
- ۱۵-۳) داستان گشتن مسعود غزنوی، حسنگ وزیر را..... ۱۶۴
- ۱۵-۴) حکایت دیوانه‌ای که به دیدن بازاریان بینی خویش می‌گرفت..... ۱۶۶
- گفتار شانزدهم: رفتن سالک فکرت به نزد باد..... ۱۶۷
- ۱۶-۱) حکایت ایاز که محمود را همای خویش خواند..... ۱۶۸
- ۱۶-۲) قصه‌ی دزد نیک بخت..... ۱۶۹
- ۱۶-۳) داستان حمّال بی کار..... ۱۷۰
- ۱۶-۴) حکایت خنده بر سردار..... ۱۷۰
- ۱۶-۵) قصه‌ی یزد زاهد..... ۱۷۱
- ۱۶-۶) داستان خوش زیستن و خوش مُردن..... ۱۷۱
- ۱۶-۷) حکایت گفت و شنود عیسی و ابلیس..... ۱۷۲
- ۱۶-۸) قصه‌ی ناودان نهادن عمر سرور خویش را..... ۱۷۲
- ۱۶-۹) حکایت دیوانه و شهر ویران..... ۱۷۳
- گفتار هفدهم: رفتن سالک فکرت به نزد آب..... ۱۷۵
- ۱۷-۱) داستان یکسانی آدمیان..... ۱۷۶
- ۱۷-۲) قصه‌ی نگرستن بوسعید میرزپرداخته را..... ۱۷۷
- ۱۷-۳) حکایت غرور خواجه‌ی پرحشمت و گفتار دیوانه..... ۱۷۸
- ۱۷-۴) داستان مجاورت میرزو گورستان..... ۱۷۸
- ۱۷-۵) حکایت گفت و گوی ابلیس و فرعون..... ۱۷۹
- ۱۷-۶) قصه‌ی دزد بی توفیق و خنده‌ی درویش..... ۱۸۰
- گفتار هجدهم: رفتن سالک فکرت به نزد خاک..... ۱۸۱
- ۱۸-۱) قصه‌ی گفت و گوی عبدالله طاهر با پیر مظلوم..... ۱۸۲
- ۱۸-۲) حکایت نصر بن احمد و بزم آراییی او به باغ..... ۱۸۳
- ۱۸-۳) داستان خود بینی جاهل و خویشتن داری احنّف..... ۱۸۵
- ۱۸-۴) حکایت دزدی که پیراهن جنید دزدید..... ۱۸۵
- ۱۸-۵) قصه‌ی ابراهیم ادهم و پرسش سوار..... ۱۸۷
- گفتار نوزدهم: رفتن سالک فکرت پیش کوه..... ۱۸۹

- ۱۹-۱) حکایت طالب و جست و جوی او به راه یافتن مطلوب..... ۱۹۰
- ۱۹-۲) داستان صوفی و خواست نظام الملک از او..... ۱۹۱
- ۱۹-۳) قصه دیوانه و آرزوی او به گاه مرگ..... ۱۹۱
- ۱۹-۴) داستان جست و جوی هندو از بهر یافتن خدا..... ۱۹۲
- ۱۹-۵) حکایت رابعه و ماندن او به خانه..... ۱۹۳
- ۱۹-۶) داستان قبله‌ی مجنون و قبله‌ی دیگران..... ۱۹۳
- ۱۹-۷) حکایت شیخ نصرآباد و دل ربایی پرده‌ی کعبه..... ۱۹۴
- ۱۹-۸) قصه‌ی عمر قیس و پرسش مرد از او..... ۱۹۴
- گفتار بیستم: رفتن سالک فکر پش دریا..... ۱۹۶
- ۲۰-۱) حکایت اسکندر و حدیث اعتدال..... ۱۹۷
- ۲۰-۲) حکایت کفشگر و گفتار پر شور رکن الدین اکافی بر منبر..... ۱۹۸
- ۲۰-۳) حکایت کوفت کفشگر و عشق او بر میرزاده..... ۱۹۹
- ۲۰-۴) داستان ایاز و حدیث حجاب تن..... ۲۰۱
- ۲۰-۵) حکایت آرزوی درویش..... ۲۰۲
- ۲۰-۶) داستان گریه‌ی عاشق..... ۲۰۲
- ۲۰-۷) قصه‌ی برهنگی پای و سر..... ۲۰۳
- ۲۰-۸) حکایت دو کودک و یافتن جوز..... ۲۰۳
- گفتار بیست و یکم: رفتن سالک فکر پش جماد..... ۲۰۵
- ۲۱-۱) حکایت دو بازرگان و نشستن آن دو بر کشتی..... ۲۰۶
- ۲۱-۲) قصه‌ی خواجه به هنگام نزع روان..... ۲۰۷
- ۲۱-۳) داستان وزیر و حسرت او به گاه مرگ..... ۲۰۷
- ۲۱-۴) قصه‌ی داوود طایی و شتاب کردن او به دیدار مردگان..... ۲۰۸
- ۲۱-۵) داستان مرگ جوان و خواست او از دیوانه..... ۲۰۸
- ۲۱-۶) حکایت نشستن بهلول بر پل..... ۲۰۸
- ۲۱-۷) داستان بهلول و هارون و کله‌ی مرد کفتر باز..... ۲۰۹
- ۲۱-۸) حکایت مرد بخشنده..... ۲۱۰
- ۲۱-۹) قصه‌ی پرسش مرد از حیدر درباره‌ی درویشی و بیماری و مرگ..... ۲۱۱
- ۲۱-۱۰) داستان گفته‌ی ابن سیرین درباره‌ی حسد..... ۲۱۱
- ۲۱-۱۱) قصه‌ی مرد نان پز که ترک نان پختن کرد..... ۲۱۱
- ۲۱-۱۲) قصه‌ی راز گریستن دیوانه..... ۲۱۲

- گفتار بیست و دوم: رفتن سالک فکرت پیش نبات..... ۲۱۳
- ۱-۲۲ داستان محمود و دیوانه‌ای که خدا را گفت: شاهی از محمود بیاموز..... ۲۱۴
- ۲-۲۲ قصه‌ی خواجه‌ای که مجنون گشت..... ۲۱۵
- ۳-۲۲ حکایت دیوانه‌ای که از خدا خواستار مرگ خود شد..... ۲۱۶
- ۴-۲۲ داستان دیوانه‌ای که فرش مسجد دزدید..... ۲۱۶
- ۵-۲۲ قصه‌ی قناعت پیشه‌ای که او را میهمان رسید..... ۲۱۷
- ۶-۲۲ داستان نازنین و گفته‌ی او در راز پابرهنگی..... ۲۱۸
- ۷-۲۲ قصه‌ی شوریده‌ی دل مرده..... ۲۱۹
- ۸-۲۲ حکایت دیوانه شدن شبلی و بردن او به دیوانه خانه..... ۲۱۹
- ۹-۲۲ قصه‌ی مجنون سر و پای برهنه‌ای که از خدا خواستار کفش و دستار گردید..... ۲۲۰
- ۱۰-۲۲ داستان مجنون گرسنه و گریه او بر فقر خویش..... ۲۲۰
- ۱۱-۲۲ حکایت یوانه‌ای که بر شَرّه طعام می‌خورد و شکر حق می‌گفت..... ۲۲۰
- ۱۲-۲۲ داستان نازنین و گفتار او با زاهد..... ۲۲۱
- گفتار بیست و سوم: رفتن سالک فکرت به نزد وحوش..... ۲۲۲
- ۱-۲۳ داستان بیدلی که او را بی کسی مالی بود و مرد مال او نمی داد..... ۲۲۳
- ۲-۲۳ قصه‌ی دیوانه‌ای که از بقا بقا «مرد» را پرسید..... ۲۲۴
- ۳-۲۳ حکایت دیوانه‌ای که وجود آدمی از دل نگار دانست..... ۲۲۴
- ۴-۲۳ داستان روستایی که پای خویش را کدویی بست..... ۲۲۵
- ۵-۲۳ حکایت مردی که شیخی را گفت مرا از عبودیت و ربوبیت چنانی رسید..... ۲۲۶
- ۶-۲۳ قصه‌ی مردی که از ملاح از عجایب دریا پرسید..... ۲۲۶
- ۷-۲۳ داستان پیری که کسی را گفت خلق همه آن خواهند که خود خواهند..... ۲۲۶
- ۸-۲۳ حکایت آب آوردن مریدی از مریدان بوسعید..... ۲۲۶
- ۹-۲۳ قصه‌ی غمّ و رفتن او به سفر..... ۲۲۷
- ۱۰-۲۳ حکایت مرد کفش دزد..... ۲۲۷
- ۱۱-۲۳ داستان پرسش کسی از علی علیه السلام درباره‌ی بیشترین های عالم..... ۲۲۸
- ۱۲-۲۳ حکایت پیر و خرّقه‌ی پر بخیه..... ۲۲۸
- ۱۳-۲۳ قصه‌ی پرسش آن مرد از عباسه‌ی توسی..... ۲۲۹
- ۱۴-۲۳ داستان مردی که بر درگاه سلطان نشسته بود..... ۲۲۹
- گفتار بیست و چهارم: رفتن سالک فکرت به نزد طیور..... ۲۳۱
- ۱-۲۴ داستان محمود و دورافتادن او از لشکر..... ۲۳۳

- ۲۴-۲) قصه‌ی پادشاهی که در همسایگی او پیرزنی پیوسته اسپند دود می‌کرد ۲۳۵
- ۲۴-۳) حکایت اسکندر و رفتن او به چین ۲۳۶
- ۲۴-۴) داستان عامر بن قیس که تره بر نان می زد ۲۳۷
- ۲۴-۵) قصه‌ی پادشاه و تقاضای دیوانه از او ۲۳۸
- ۲۴-۶) حکایت دیوانه‌ای که از آزار کودکان به قصر عمید گریخت ۲۳۹
- ۲۴-۷) داستان کودک جوز باز ۲۴۰
- گفتار بیست و پنجم: رفتن سالک فکرت به نزد حیوان ۲۴۱
- ۲۵-۱) داستان سفیان ثوری و گفته‌ی او که لذت طعام از لب تا کام است ۲۴۲
- ۲۵-۲) قصه‌ی شاگرد موسی و خوک شدن او ۲۴۳
- ۲۵-۳) داستان کسی که دیگری را گفت: مرا بز گرفته‌ای ۲۴۴
- ۲۵-۴) حکایت جوانی که بر کنیزک خوب روی عاشق گشت ۲۴۵
- ۲۵-۵) داستان سنایی و دیدن کناس و مؤذن ۲۴۸
- ۲۵-۶) قصه‌ی مردی که از سلطان شکایت کرد ۲۴۸
- گفتار بیست و ششم: رفتن سالک فکرت به نزد ابلیس ۲۴۹
- ۲۶-۱) حکایت پرسش مرد از ابلیس ۲۵۱
- ۲۶-۲) داستان رفتن ابلیس به درگاه پیامبر ۲۵۳
- ۲۶-۳) قصه‌ی پیر خارکن و خواست او از موسی ۲۵۵
- گفتار بیست و هفتم: رفتن سالک فکرت به نزد جن ۲۵۷
- ۲۷-۱) داستان گفته‌ی لیلی، مجنون را که: پیوسته از عقل به دور باش ۲۵۸
- ۲۷-۲) حکایت دیوانه و دلیل او بر گستاخی‌اش با حق ۲۵۸
- ۲۷-۳) قصه‌ی دیوانه‌ای که از خدا کلاهی طلبید ۲۵۹
- ۲۷-۴) داستان موسی و بر زمین زدن الواح ۲۶۰
- ۲۷-۵) حکایت دیوانه‌ای که خدا را گفت: هر گز تو را بحل نکنم ۲۶۰
- ۲۷-۶) داستان مجنونی که خدا را گفت: مرا از کار آفرینش دل بگرفت ۲۶۱
- ۲۷-۷) حکایت دیوانه‌ای که برف می خورد ۲۶۱
- ۲۷-۸) قصه‌ی دیوانه‌ای که از کسی نان می خواست ۲۶۱
- ۲۷-۹) داستان دیوانه‌ای که از او پرسیدند حق را می شناسی؟ ۲۶۱
- ۲۷-۱۰) حکایت آن اعرابی که از عربانی و گرسنگی خود و کودکانش با خدا سخن گفت ۲۶۲
- ۲۷-۱۱) داستان دیوانه‌ای که نماز نمی‌کرد ۲۶۲
- ۲۷-۱۲) حکایت موسی و تجلی حق بر او و نابینا شدن مردمان ۲۶۳

- ۲۷-۱۳) قصه‌ی دیوانه‌ای که از خدا خواست دستار ژنده او به عمید خراسان دهد ۲۳
- ۲۷-۱۴) حکایت دیوانه‌ای که خدا را گفت: چون مرا زر ندهی مسجد بر سرم خراب کن ... ۲۴
- ۲۷-۱۵) داستان نادانی که حق تعالی را گفت: «گاو از خر باز شناسی» ۲۵
- گفتار بیست و هشتم: رفتن سالک فکرت به نزد آدمی ۲۵
- ۲۸-۱) داستان محمود و فرستادن غلام خویش به نزد ایاز ۲۶
- ۲۸-۲) داستان گوی باختن ایاز و محمود ۲۶
- ۲۸-۳) داستان آن معشوق که دل‌باخته‌ی روی خویش گردید ۲۶
- ۲۸-۴) قصه‌ی کودک نیک رو و زدن عاشق ۲۷
- ۲۸-۵) داستان قفا خوردن صوفی و واپس نگرستن او ۲۷
- گفتار بیست و نهم: رفتن سالک فکرت نزد آدم (ابوالبشر) ۲۷
- ۲۹-۱) قصه‌ی پادشاهی که بنده‌ی خویش آزمود ۲۷
- ۲۹-۲) داستان مردی که در نزد علی نکوهش دنیا کرد ۲۷
- ۲۹-۳) حکایت را ندان ابراهیم ادهم به گرمابه ۲۷
- ۲۹-۴) قصه‌ی زنی که سرینه‌ی کاروان دزدزده تقبل کرد ۲۷
- ۲۹-۵) حکایت شیخ حلوانی و گفتار جوان در نزد او که: به هیچ چیز نرسیدم ۲۷
- ۲۹-۶) داستان دیوانه‌ای که نام اعظم خدا بان داشت ۲۷
- ۲۹-۷) حکایت ابراهیم ادهم و پرسش او از راهب ۲۸
- ۲۹-۸) قصه‌ی خردی نظام الملک و بازی او با کودکان ۲۸
- گفتار سی‌ام: رفتن سالک فکرت پیش نوح ۲۸
- ۳۰-۱) حکایت آن کامل مرد که آرزوی دردمندی مردان کرد ۲۸
- ۳۰-۲) قصه‌ی آن مرغ که پیوسته فریاد بیقراری زند ۲۸
- ۳۰-۳) داستان مرگ فرزند و زاری مادر ۲۸
- ۳۰-۴) داستان دیوانه‌ای که شرح دیوانگی خویش داد ۲۸
- ۳۰-۵) داستان دزدی که دستش کوتاه کردند و دم نزد ۲۸
- ۳۰-۶) حکایت مردی که هر روز ختم قرآن می‌کرد ۲۸
- ۳۰-۷) داستان مجنون و یافتن گور لیلی ۲۸
- ۳۰-۸) حکایت آن زن که بر ایاز دل باخت ۲۸
- ۳۰-۹) قصه‌ی بردن مجنون به کعبه و دعای او بدان جای ۲۸
- ۳۰-۱۰) داستان جوانی که پیری را از تنها نشستن منع کرد ۲۸
- ۳۰-۱۱) حکایت محمود و کودک هندو ۲۸

- گفتار سی و یکم: رفتن سالک فکرت به نزد خلیل ۲۹۱
- ۱-۳۱ داستان عیسی و آرزوی مردی که ذره‌ای محبت حق طلبید ۲۹۲
- ۲-۳۱ قصه‌ی پادشاهی که راز دل‌باختگی مجنون پرسید ۲۹۳
- ۳-۳۱ داستان پادشاهی که غلام نیک روی خویش کشت ۲۹۴
- ۴-۳۱ داستان بیماری محمود و بی‌خویشنی ایاز ۲۹۵
- ۵-۳۱ حکایت خواندن امتان به قیامت ۲۹۶
- ۶-۳۱ قصه‌ی طوطی خاموش ۲۹۶
- ۷-۳۱ حکایت کسی که از حال دیوانه‌ای پرسید و پاسخ دادن دیوانه ۲۹۸
- گفتار سی و دوم: رفتن سالک فکرت به نزد موسی ۲۹۹
- ۱-۳۲ حکایت آن عاشق که خویش را در معرض تیر معشوق افکند ۳۰۰
- ۲-۳۲ داستان شه‌زاده و مردی که بر او عاشق گردید ۳۰۲
- ۳-۳۲ قصه‌ی مجنون و بی‌خبری لیلی از جان‌کندن او ۳۰۴
- ۴-۳۲ حکایت زلیخا و نشستن او بر راه یوسف ۳۰۴
- ۵-۳۲ داستان ایاز و مدهوش بودن محمود ۳۰۶
- گفتار سی و سوم: رفتن سالک فکرت پیش داور ۳۰۸
- ۱-۳۳ قصه‌ی زبور خواندن داوود و هلاک شدن خدایق ۳۰۹
- ۲-۳۳ داستان بنده خریدن محمود و هنر ایاز ۳۱۰
- ۳-۳۳ قصه‌ی ایاز و شکستن جام گوهرین ۳۱۱
- ۴-۳۳ داستان دیوانه‌ی خاک‌نشین و خرسندی او بر کار خویش ۳۱۱
- ۵-۳۳ حکایت بنده و خواست او از شاه ۳۱۲
- ۶-۳۳ قصه‌ی رفتن عاشق به حج و خشم معشوق ۳۱۲
- ۷-۳۳ داستان موسی و پیام بردن او به سوی حق ۳۱۳
- ۸-۳۳ حکایت لقمان سزخسی و جنگ او با حق ۳۱۴
- گفتار سی و چهارم: رفتن سالک فکرت پیش عیسی ۳۱۶
- ۱-۳۴ داستان عیسی و دیدن سنگ مرده ۳۱۷
- ۲-۳۴ حکایت دزد و ترک دزدی ۳۱۷
- ۳-۳۴ داستان پنهان شدن کبوتر در آستین موسی ۳۱۹
- ۴-۳۴ قصه‌ی رهایی اسیران از چنگ شاه ۳۲۰
- ۵-۳۴ حکایت زنی که در زنا افتاد و پشیمان گردید ۳۲۱
- ۶-۳۴ حکایت نان‌خواستن گدای کافر از ابراهیم ۳۲۳

- ۳۲۴ داستان گفتار ذوالنون مصری در باب گسترش بساط مجد.
- ۳۲۴ ۸-۳۴) قصه‌ی آه جوان و حج سفیان.
- ۳۲۵ گفتار سی و پنجم: رفتن سالک فکرت پیش مصطفی صلی الله علیه و آله.
- ۳۲۸ ۱-۳۵) داستان بازگشت مصطفی از معراج و وام خواستن او از جهود.
- ۳۲۸ ۲-۳۵) حکایت آن شیخ که فرشته‌ای به خواب دید.
- ۳۳۱ ۳-۳۵) داستان بایزید و همراه شدن سگ با او.
- ۳۳۲ ۴-۳۵) داستان گواهی درویشان و نپذیرفتن قاضی گواه آنان.
- ۳۳۳ ۵-۳۵) حکایت زنی که کودک خویش گم کرده بود.
- ۳۳۴ ۶-۳۵) داستان مالک دینار و بیداری او.
- ۳۳۴ ۷-۳۵) قصه‌ی درویش مغموم و غم فراق.
- ۳۳۵ ۸-۳۵) حکایت دولوری بچه‌ی عاشق.
- ۳۳۸ گفتار سی و هشتم: رفتن سالک فکرت پیش حس.
- ۳۳۹ ۱-۳۶) حکایت تراشیدن موی و ریش.
- ۳۳۹ ۲-۳۶) داستان مردی که برف دانه می پاشید.
- ۳۴۰ ۳-۳۶) حکایت ابراهیم ادهم و کلمات.
- ۳۴۰ ۴-۳۶) قصه‌ی سنگ انداختن مجنون بر مادر گزارد.
- ۳۴۰ ۵-۳۶) داستان کشتی گیر و پیدایش موی سفید در سر.
- ۳۴۱ ۶-۳۶) قصه‌ی وزارت مرد غریب و خواست شادمانی او.
- ۳۴۲ ۷-۳۶) حکایت شیخی که زاهدی به خواب دید.
- ۳۴۳ ۸-۳۶) قصه‌ی کله‌ی پُرغرور.
- ۳۴۳ ۹-۳۶) حکایت دیوانه‌ای که سر مُرده‌ای یافت.
- ۳۴۴ ۱۰-۳۶) داستان عیسی و بی‌خانمانی او.
- ۳۴۴ ۱۱-۳۶) حکایت پادشاه و دیدن دیوانه.
- ۳۴۶ گفتار سی و هفتم: رفتن سالک فکرت پیش خیال.
- ۳۴۷ ۱-۳۷) قصه‌ی بوعلی دقاق که میهمان مُریدی گردید.
- ۳۴۷ ۲-۳۷) حکایت آن کامل مرد که جمله دردها در قیاس با فراق سهل دانست.
- ۳۴۷ ۳-۳۷) داستان محمود غزنوی و خواست او از درویش.
- ۳۴۸ ۴-۳۷) حکایت یحیی بن معاذ و گفتار او در باب بخشش عاشقان.
- ۳۴۸ ۵-۳۷) داستان سلیمان و شنیدن لاف زنی صعوه‌ی نر در برابر ماده.
- ۳۴۹ ۶-۳۷) قصه‌ی مناجات عارف و خواست او از حق.

- ۳۵۰ ۷-۳۷ داستان زندانی شدن یوسف و پیام او به عزیز مصر
- ۳۵۰ ۸-۳۷ حکایت آزاد کردن محمود غلامان خویش
- ۳۵۰ ۹-۳۷ قصه‌ی زنی که خواستار آن شد که پیوسته کسی او را دوست دارد
- ۳۵۱ ۱۰-۳۷ داستان رابعه و دزدی که به خانه‌ی او درآمد
- ۳۵۲ ۱۱-۳۷ حکایت معشوق توسی و جوانی که بر او فاتحه‌ی شفا خواند
- ۳۵۲ ۱۲-۳۷ قصه‌ی بارگاه آرام و خاموش محمود غزنوی
- ۳۵۴ گفتار سی و هشتم: رفتن سالک فکرت به نزد عقل
- ۳۵۶ ۱-۳۸ داستان گرفتار آمدن اسکندر در غار و رهنمونی خر در یافتن راه
- ۳۵۶ ۲-۳۸ حکایت بلعم باغور و کفر او از پس ایمان
- ۳۵۷ ۳-۳۸ داستان پیر چنگی و ساز زدن او از برای خدا
- ۳۵۹ ۴-۳۸ قصه‌ی عاقل و رفتن او به نزد دیوانه‌ی غمگین
- ۳۵۹ ۵-۳۸ حکایت و خنثی که در بیابان از آوای آسمان ترسان بود
- ۳۶۰ ۶-۳۸ داستان دیوانه‌ای که در بیانان می‌زیست و گاه به شهر می‌آمد
- ۳۶۱ ۷-۳۸ حکایت یحیی بن معد و گفتار او درباره‌ی بزرگان دنیا
- ۳۶۱ ۸-۳۸ داستان حجاج بن یوسف و روانستن ستم خویش
- ۳۶۱ ۹-۳۸ قصه‌ی محمود و ایاز و ستایش هر یک و خویشتن را
- ۳۶۳ گفتار سی و نهم: رفتن سالک فکرت نزد دل
- ۳۶۵ ۱-۳۹ داستان عاشقی که به راه عقل می‌رفت
- ۳۶۶ ۲-۳۹ حکایت عاشقی که تحمل بار عشق نیامد و جان داد
- ۳۶۹ ۳-۳۹ قصه‌ی خشم گرفتن محمود بر ایاز و فروختن او
- ۳۷۰ ۴-۳۹ حکایت مجنون که از واژه‌ها «لا» بیشتر دوست داشت
- ۳۷۰ ۵-۳۹ داستان مرد کامل که از آتشکده بگذشت و بیهوش گشت
- ۳۷۱ ۶-۳۹ حکایت تاختن محمود غزنوی در نخجیرگاه از پی نخجیر
- ۳۷۳ گفتار چهلیم: رفتن سالک فکرت به نزد جان
- ۳۷۷ ۱-۴۰ داستان شبلی و خرید گوهر
- ۳۷۸ ۲-۴۰ حکایت گفتار عمر با پسر که جز من کس طعم دین نداند
- ۳۷۹ ۳-۴۰ داستان پرسش بوعلی توسی از میر کاریز
- ۳۸۰ ۴-۴۰ قصه‌ی به خواب دیدن ابوالحسن خرقانی، خدا را
- ۳۸۰ ۵-۴۰ حکایت آفرینش عرش و فرمان خداوند، عرشیان را
- ۳۸۵ خاتمه‌ی کتاب

- خویش‌شناسی عطار ۳۸۵
- حکایات آخر مصیبت نامه ۳۸۷
- داستان آن کس که ذوالفقار علی بستد و او را به کار نیامد ۳۸۷
- حکایت برادر حاتم طایی و دعوی جوان مردی ۳۸۷
- قصه‌ی ستایش نادان، افلاطون را ۳۸۸
- حکایت شاعری که شعری پرآرایه ساخت ۳۸۹
- داستان خاموشی و گویایی مرد ۳۸۹
- داستان گفته‌ی نوشین روان در باب رازداری ۳۸۹
- حکایت لقمان حکیم که هرگز از خاموشی خویش پشیمان نگردید ۳۹۰
- قصه‌ی آن که سزاوار زندان بود ۳۹۰
- داستان گنار مصطفی علیه السلام درباره‌ی فروود ملائکه به زمین ۳۹۰
- قصه‌ی خاشه رویی که خاشه رویی کوی شاه شادمان بود ۳۹۰
- داستان فضیل عیاض و رشک او بر نآمدگان جهان ۳۹۰
- حکایت عارف و هراس او به کارگاه ۳۹۱
- قصه‌ی کودکی که هراسناک روز اسحاق بود ۳۹۱
- حکایت گدای مرده و پرسش از او بدان سر ۳۹۲
- داستان عارفی که خدا را گفت: چندان از فضلت گویم که دیگر گشت عبادت نکند ۳۹۲
- حکایت اعرابی که به کعبه، خدای را گفت: من آن خویش کردم و نیز آن خود بیار ۳۹۳
- داستان بوسعید مهنه و اندیشه‌ی یاری رسانی او مرد مست را ۳۹۴
- حکایت اعرابی و یافتن آب شیرین و بردن آن به نزد خلیفه ۳۹۵

پیش گفتار

منظومه‌ی عظیم مصیبت نامه، داستان سرگشتگی روح رهروی است که از بهر گشودن مشکل معرفتی خردمند زمین و زمان درمی‌نوردد و به هر سوی سر می‌زند تا مگر راه به جایی نبرد و پرسش‌هایش را پاسخی جامع شنود و دشواری خود آسان نماید. پس پای به راه در می‌نهد و سفر روحانی خویش می‌آغازد و از آسمان و زمین و زمان در می‌گذرد و با خاکیان و افلاکیان و بهشت و دوزخ و جماد و نبات و عرش و کرسی و ماه و خورشید و آب و آتش و کوه و دریا و فرستادگان می‌دیدار می‌کند و مشکل خویش بر می‌شمرد و راه چاره می‌جوید و رهنمود آنان می‌طلبد. لیکن آنان نیز هر یک خود را درمانده‌تر و ناتوان‌تر از او می‌خوانند که بر زخم جان کاهش مرهمی ندارند و خود نیز سرگشته‌ی این راهند.

سالک فکرت هربار پس از شنیدن پاسخ نادل خواه خویش از مخاطب، نومیدانه به سوی پیر راهبر باز می‌گردد و شرح رفته‌ها می‌دهد و رهنمود او می‌خواهد. پیر با سابقه‌ی شناختی که از مخاطبان سالک دارد، به معرفی هر یک می‌پردازد و شمه‌ای از ویژگی‌های آنان بر می‌شمرد و وضعیت و جایگاه هر کدام از آنان را بر او روشن می‌کند. سرانجام سالک ره جوی به فرجامین خان این سفر، در منزل چهلهم آنجا که میان او و روح گفت و گویی دراز در می‌گیرد، از خطای رفته‌ی خویش آگاه می‌شود و در می‌یابد که آنچه را در بیرون از وجود خویش می‌جسته، در خود داشته و این راه دراز

بیهوده پیموده است.

چون رهرو فکرت از داشته‌ی خود آگاه می‌شود، از روح این می‌پرسد که: چون تو خود اصل همه بودی، از چه روی مرا به پیمودن این دشوار راه به رنج افکندی و به آغاز این سفر مرا بدین داشته آگاه نمودی؟ روح که خواست خویش تحقق یافته و سالک را به مقصد رسیده می‌بیند، پاسخ می‌دهد که خواست من از به رنج افکندت جز خودشناختن نبود تا چون به رنج، گوهر شناخت به دست آوری قدرش بدانی و آسان از دست ندهی که آنچه آسان به دست آید، آسان نیز از دست رود.

گفت: «ای جان! چون تو بودی هر چه هست خود بلی گفتمی و بشنودی الست
چون تو بودی هر دو کون معتبر از چه گردانیدی ام چندین به سر؟»
گفت: «تا قدرم بدانی اندکی زان که چون گنجی به دست آرد یکی،
گر دهد آن گنج دستش رایگان ذره‌ای هرگز نداند قدر آن
قدر آن داند اگر گنجی بود کان به دست آوردنش رنجی بود»